

دریچه

معرفی هیئت انتخاب برگزیدگان جشنواره‌های تئاتر استانی

● سعید اسدی، رفیق نصرتی و مهرداد کوروش نیا آثار گروه‌های نمایشی برگزیده جشنواره‌های تئاتر استانی را برای حضور در بخش رقابتی جشنواره انتخاب می‌کنند.سعید اسدی متولد سال ۱۳۵۲ در کرمانشاه است. او در رشته تئاتر و سینما از دانشگاه تهران، مدرک دکترا دارد و مدرس دانشگاه، نمایش‌نامه‌نویس و پژوهشگر تئاتر است. رفیق نصرتی متولد ۱۳۵۸ در سقز منتقد، نمایش‌نامه‌نویس و کارشناس ارشد ادبیات نمایشی از دانشگاه تهران و دانشکده هنرهای زیبا است.

مهرداد کوروش‌نیا نیز متولد آبان ۱۳۵۳ مؤسس گروه نمایشی «درنگ» و کارگردان تئاتر است. این هنرمند مدرک کارشناسی تئاتر با گرایش ادبیات نمایشی از دانشگاه سوره دارد و کارشناس ارشد تئاتر با گرایش ادبیات نمایشی از دانشگاه هنر و معماری است.

چهارمین نمایش برگزیدگان جشنواره‌های تئاتر استان‌ها تا دهم دی‌ماه میزبان ۶۰ گروه نمایشی از سراسر کشور بوده و در مجموعه تئاتر شهر و هتل باباطاهر در حال برگزاری است.

مروری برزندگی زنده‌یاد «هماروستا» درادیونمایش



● رادیو نمایش شب گذشته در برنامه «صدا در صحنه» به زندگی زنده‌یاد «هماروستا» پرداخت. ژاله محمدعلی، تهیه‌کننده و سردبیر این برنامه رادیویی، اعلام کرد:، همچنین در این برنامه، نمایش «چنور» به نویسندگی و کارگردانی قطب‌الدین صادقی که این روزها در دو هفته چهارسو تئاتر شهر روی صحنه اجرا می‌شود با کارشناسی رضا آشفته مورد بحث و بررسی قرار گرفت. او ادامه داد: بر همین اساس علی بهرامی به پشت صحنه این تئاتر رفته و با قطب‌الدین صادقی در این زمینه گفت‌وگو کرده است.او خاطرنشان کرد: بخش دیگر این برنامه درباره حاشیه اتفاقات تاتری است که در طول هفته رخ داده و غزل نهانی با تیتز «پرسه در حوالی تئاتر» آن را پخش می‌کند و در بخشی دیگر به نام «کلاس فن بیان» که مدرس آن آرش آبدانن است، فن بیان برای بازیگری و گویندگی در تئاتر و رادیو به شنوندگان آموزش داده می‌شود.«صدا در صحنه» به تهیه‌کنندگی زاله محمدعلی و با کارشناسی و اجرای رضا آشفته شنبه‌ها ساعت ۲۱ از رادیو نمایش پخش می‌شود.

تمدیداجرای نمایش «فردای شب»

● اجرای نمایش «فردای شب» به نویسندگی و کارگردانی جواد اسفندیاری در کارگاه نمایش مجموعه تئاترشهر تا روز جمعه سیزدهم دی تمدید شد. این اجرا بر پایه فراخوان مشارکت در رویدادهای اجرائی- پژوهشی «کارگاه نمایش» دفتر ارتباطات، آموزش و پژوهش تئاتر شهر آماده شده است و یک اجرای کارگاهی- تجربی است. هدف از ارائه این پروژه بررسی، مطالعه و اجراپژوهی در حوزه غیاب در اجرا و ارائه رویکردهای مینیمالیستی در طراحی اجرا است.ایده اجرا حول مفهوم پرداخت اسر تئاتریکل، «درباره ایده وهم (جهان ذهنی) و نوعی بازنمود فیزیکی و حسی از امر ذهنی و به‌نمایش‌داروردن یا بازنمود زبان وهم در اجرا و تجربه‌گری در حوزه فضا و اتمسفر اجرا است. بدین معنا با وجود اینکه اجرا بر پایه متن شکل گرفته اما متن در نهایت بخشی از فرم اجراست.سه اجراگر پروژه فردای شب، مژده دابی، مونا سهراب حقیقت، فروش نیک‌اندیش با هدایت و کارگردانی جواد اسفندیاری از ۲۴ آذر کار خود را شروع کرده و تا ۱۳ دی ۹۸ در کارگاه نمایش واقع در مجموعه تئاترشهر این تجربه را با مخاطبان خود به اشتراک می‌گذارند.سایر عوامل این اثر نمایش عبارت‌اند از نویسنده و کارگردان: جواد اسفندیاری، تهیه‌کننده: حمیدرضا زیری، اجراگران: مژده دابی، مونا سهراب حقیقت و فروش نیک‌اندیش، دستیار کارگردان و برنامه‌ریز: ستاره صمدی‌زادنی، طراح صحنه: علیرضاوحاجتی، جواد اسفندیاری، طراح پوستر و گرافیست: آیه حیدری و طراح تیزر: شهاب محمودی.پروژه رویدادهای اجرائی پژوهشی کارگاه نمایش با انتشار فراخوان در تابستان ۱۳۹۸ آغاز به کار کرد و پس از بررسی بیش از صد طرح ایده اجرائی توسط هاجر سعیدی‌نژاد، امین عطیمی و عباس افسلمی، در نهایت ۲۲ اثر را برای تولید و ارائه تا آبان ۱۳۹۹ برگزید. «فردای شب» نخستین اثر از این مجموعه است که با استقبال مخاطبان روبرو شده است.

مقدمه: یادداشت پیش‌رو به سفارش مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه تنظیم شده است. هدف این مرکز ایجاد چارچوبی است برای بهبود کیفیت نهادها، به‌ویژه دو نهاد مهم حاکمیت و جامعه و تلاش می‌کند تا از طریق ایجاد و تقویت شبکه‌های اصلاحی بتواند گام‌هایی در حل مسائلی مانند شفافیت، مقابله با فساد، فقر، نابرابری و تعارض منافع برداشته و زمینه را برای کارآمدسازی حاکمیت و تقویت جامعه مدنی فراهم آورد.

این متن شامل بررسی کتاب اخیر فرانسیس فوکویاما؛ یعنی نظم و زوال سیاسی: از انقلاب صنعتی تا جهانی‌سازی دموکراسی[i] توسط کارلز بویکس[ii] و سپس پاسخ فوکویاما به نقدهای بویکس است. بویکس استاد علوم سیاسی در دانشگاه پرینستون و نویسنده کتاب نظم سیاسی و نابرابری[iiii] است که به عقیده فوکویاما در ادامه سنت پژوهشی نورث و همکاران و همچنین عجم‌اوغلو و رایینسون، نظریه‌ای یکپارچه برای توضیح هم‌زمان توسعه سیاسی و اقتصادی ارائه می‌دهد. مسئله اساسی در کتاب نظم و زوال سیاسی این است که جوامع مختلف چگونه توانست‌اند نهادهای سیاسی قدرتمند، غیرشخصی و پاسخ‌گو ایجاد کنند.

بویکس: در دهه ۱۹۶۰ که علوم اجتماعی رشد کردند و به شکل‌های نظری و روش‌شناسی امروزیں خود درآمدند، دو کتاب بر مطالعات سیاست تطبیقی تأثیری جدی داشتند: ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی[iv] نوشته برینگتون مور (۱۹۶۶) و نظم سیاسی در جوامع دستخوش تغییر[v] نوشته ساموئل هانتینگتون (۱۹۶۸). فرانسیس فوکویاما در کتاب جدید خود از برنامه پژوهشی هر دو این پژوهشگران الهام می‌گیرد و آنها را بسط می‌دهد. البته تمرکز اصلی او بر برنامه پژوهشی هانتینگتون است. این انتخاب فوکویاما معقول به نظر می‌رسد. در دهه‌های گذشته، مطالعه رژیم‌های سیاسی و گذارهای سیاسی به‌شدت پیشرفت کرده است. باوجوداین، نظم و زوال سیاسی کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. به استثنای متون در مورد شکل‌گیری دولت نوشته چارلز تیلی[vii] و منکورو اولسون[viii] و مطالعات در مورد جنگ‌های داخلی، ما هنوز هم چیز زیادی در مورد عوامل تعیین‌کننده در ظرفیت دولت و کیفیت حکومت نمی‌دانیم.

در کتاب هانتینگتون، ثبات سیاسی به وجود «نهادهای سیاسی قدرتمند، انطباق‌پذیر و منسجم» و دارای قابلیت جهت‌دهی به فرایندهای بسیج اجتماعی که با مدرنیزاسیون اقتصادی برانگیخته می‌شوند، بستگی دارد. جهان اتکلسواکسون در حفظ نهادهای سنتی دوره تئودوری و انطباق ارگانیک این نهادها با جامعه مدرن شد. جهان درحال‌توسعه تجربه‌ای کاملاً عکس این تجربه داشت. دولت در این کشورها ضعیف‌تر از آن بود که بتواند با مطالبات عمومی که توسط توسعه به وجود می‌آیند، مقابله کند. شرایط ساختاری از قبیل شکاف بین شهر و روستا یا نابرابری در توزیع زمین‌ها در جهت دستیابی به ثبات اهمیت زیادی داشتند. اما در دیدگاه هانتینگتون، نظم در نهایت توسط یک گروه پیشروی انقلابی (با اصلاح‌طلب) از طریق یک (یا چند) حزب سیاسی ایجاد می‌شد که می‌توانستند سیاست توده‌ای را تثبیت کنند.

فوکویاما در بررسی ثبات سیاسی و نهادها، مسیر هانتینگتون را پیش می‌گیرد. اما کتاب نظم و زوال سیاسی مفهوم نظم سیاسی را در سه بُعد حکمرانی قانون، پاسخ‌گو (دموکراتیک) بودن و یک دولت ب‌اثبات و با ظرفیت‌های بالا) بررسی و ادعا می‌کند که این موارد از یک‌دیگر مستقل هستند: در برخی از کشورها (مانند دانمارک) همه آنها وجود دارند، در برخی کشورهای دیگر (مانند سومالی) هیچ‌کدام از آنها وجود ندارند و در بسیاری از کشورها تنها برخی از آنها حضور دارند (مانند چین با دولتی با ظرفیت بالا اما بدون حکمرانی قانون). بنابراین، مطابق با ششم اولیه هانتینگتون، مدرنیزاسیون سیاسی یک «فرایند اجتناب‌ناپذیر و یکپارچه» نبوده است، بلکه مسیری توسعه‌ای متعددی (و گاهی خام و ناهموار) را از سر گذرانده است. جوامع پیشامدرن، اقتصادهای مالتوسی بودند که توسط دولت‌هایی پاتریمونیال اداره می‌شدند و «بر بودن از دوستان و خانواده شخص حکمران که دسترسی به فرصت‌های اقتصادی و قدرت سیاسی را به افراد مورد مرحمت خود محدود می‌کردند» و آنان از طریق شبکه‌های حامی- مشتری قدرت خود را حفظ می‌کردند. مدرنیزاسیون سیاسی در سه مسیر تاریخی متفاوت اتفاق افتاد که هرکدام با توالی زمانی خاص پدیداری پاسخ‌گویی، حاکمیت قانون و دولت تبیین می‌شدند.

در جهان اتکلسواکسون حاکمیت قانون پیش از رشد اقتصادی پدیدار شد و دموکراسی توده‌ای بعد از آن آمد (پیش از انقلاب صنعتی در ایالات متحده و در طول دوره صنعتی‌شدن در انگلستان) و درنهایت یک دولت قدرتمند (که به عنوان بوروکراسی وبری و به‌کارگیری معیار شایسته‌گزینی شناخته می‌شود) پدیدار شد. کشورهای در مسیر آلمان (که مسیر مشترک آلمان و ژاپن و دیگر بره‌های آسیای شرقی است)، ابتدا یک بوروکراسی می‌دیدان ایجاد کردند و خیلی بعد حکمرانی قانون و دموکراسی را به کار گرفتند (که تا حدود زیادی نتیجه شکست نظامی و مداخله خارجی بود) و به این طریق به مدرنیته گذار کردند. چین در همین مسیر اما به طور ناقص توسعه یافت: دموکراسی و حکمرانی قانون هنوز در چین پدیدار نشده‌اند. درنهایت، مسیر تاریخی سوم، مسیر «مدرنیزاسیون بدون توسعه» است

هنر – سیاست

گفت‌وگوی انتقادی بر سر تقویت ظرفیت‌های دولت

نقد کتاب نظم و زوال سیاسی

مترجم: بهنام ذوقی‌رودسری



گیرد: یک بوروکراسی وبری همیشه بر اساس کاربرد اصولی فرایگر (یا حاکمیت قانون) در سپهری خاص (تصمیم‌گیری مدیریتی) که در آن فعالیت می‌کند، بنا شده است و بدون این اصول به ساختاری حامی‌پرور بدل می‌شود. یک مشکل مشابه در مورد رابطه بین حاکمیت قانون و پاسخ‌گو بودن وجود دارد. بدون اعطای تمامی حقوق مدنی به طور برابر به تمامی افراد، شرایط «الزام‌آوری»-که حاکمیت قانون را تبیین می‌کنند هیچ‌گاه برآورده نمی‌شوند. حاکمیت قانون محدود به حقوق خصوصی باقی می‌ماند و حوزه حقوق سیاسی را دربرنمی‌گیرد (همانند مورد امپراتوری آلمان یا انگلیس دوره ویکتوریایی).

توضیحات این کتاب درباره خط سیرهای متعدد مدرنیزاسیون سیاسی برای درک مسئله دولت‌سازی در دوران معاصر جای پای محکمی فراهم می‌سازد. اما پژوهشگران بعدی باید حداقل به دو پرسش بپردازند که توسط نویسنده پاسخ داده نشده‌اند. اول اینکه این کتاب با تأکید بیش‌از‌حد بر متمایز بودن مسیرهای تاریخی آسیای شرقی، آمریکای لاتین و آفریقای سیاه، میزان زیاد تفاوت‌ها درون هر قاره را کم‌اهمیت جلوه می‌دهد. کشورهایی از قبیل بوتسوانا، آفریقای جنوبی، شیلی یا مکزیک در شاخص کارآمدی حکومت بانک جهانی امتیازهایی مساوی با بالاتر از چین دریافت می‌کنند. این امر باید بدین معنا باشد که توسعه در قرن بیستم (که در این کتاب به‌واسطه مطالعه ارزاتین، کاستاریکا و اندونزی بررسی می‌شود ولی نه به‌طور سیستماتیک) در نهایت بر محدودیت‌های درازمدتی که در سطح قاره‌ای عمل می‌کردند، فائق آمده است. دوم، اینکه رابطه بین توسعه اقتصادی و سیاسی بازهم مبهم باقی می‌ماند. فوکویاما همانند هانتینگتون و در تضاد با پافشاری مور[x]، بر تقدم منافع اجتماعی، می‌نویسد که توسعه سیاسی «مستقل از رشد اقتصادی، از منطق خود پیروی می‌کند» و اینکه در تضاد با استدلال‌های نهادگرایان اقتصادی، هم در مکان‌هایی با بوروکراسی قفلانی و وبری دولت ضعیف (انگلستان) و هم در مکان‌هایی بدون حکمرانی قانون ولی با دولت قوی (ژاپن و شیلی) رشد به وجود آمده است. اما در جایی دیگر، این کتاب مدرنیزاسیون سیاسی را درون‌زاد توسعه اقتصادی می‌داند؛ خصوصاً هنگامی که به نظر می‌رسد ما گفته می‌شود کشورهای بدون یک دولت قوی «راه روشنی برای حرکت از اشتغال غیررسمی به‌سوی توسعه حقیقی و صنعتی‌سازی اشتغال‌زا ندارند، یعنی چیزی که به‌نوبه خود از اصلاحات جلوگیری می‌کند.

درحالی‌که در دهه‌های گذشته در سنجش و نظریه‌سازی درباره پدیده‌هایی مانند ثبات سیاسی، دموکراتیزاسیون یا جنگ‌های داخلی پیشرفت‌هایی داشته‌ایم، بهبود درک ماهیت و منشأ عملکرد و ظرفیت دولت برای ما دشوارتر بوده است. به همین دلیل، کتاب نظم و زوال سیاسی سهم مهمی در رابطه بین ساختارهای بوروکراتیک و ظرفیت دولت، بین ظرفیت دولت و حکمرانی قانون و بین توسعه سیاسی و اقتصادی است.

فوکویاما: ما بابت بررسی کتاب نظم و زوال سیاسی، سیاست‌گذار کارلز بویکس هستم و در حقیقت درباره بسیاری از نواقص کتاب با او موافقم و در اینجا می‌خواهم به برخی از نکاتی که او مطرح کرد، پاسخ دهم. یک مسئله اصلی در مشاهدات بویکس این است که پایه‌های نهادی من (دولت، حاکمیت قانون و پاسخ‌گویی) به‌طور کامل از هم مستقل نیستند. به‌طورخاص دولت و حاکمیت قانون به میزان چشمگیری با هم هم‌پوشانی دارند: توانایی اجرای قوانین هم عنصری از ظرفیت دولت است و هم بخشی از حاکمیت قانون. حکمرانی قانون و دموکراسی شیوه‌هایی جایگزین برای مقیدساختن قدرت دولت هستند و به این منظور اغلب دست در دست هم عمل کرده‌اند. باین‌وجود، جدا ساختن این سه ستون به لحاظ مفهومی کار حساسی است. بسیاری از نهادگرایان متأخر (به کتاب ما خوشنود و نظم‌های اجتماعی: چارچوبی مفهومی برای تفسیر

تاریخ مکتوب بشر، ۲۰۰۹، نوشته داگلاس سی. نورث، جان والیس و بری واینکاست[xii]، و کتاب چرا ملت‌ها شکست می‌خورند: ریشه‌های قدرت، ثروت و فقر، ۲۰۰۳، نوشته دارن عجم اوغولو و جیمز رابینسون[xiii] مراجعه کنید) در تمایزگذاری بین این موارد به میزان کافی دقیق نبوده‌اند. درنتیجه، آنان قادر نیستند تا به پرسش‌های دیرینه ما پاسخ گویند از جمله اینکه آیا بهتر است پیش از بسط حقوق مدنی، حاکمیت قانون لیبرال برقرار شود یا اینکه مصالحه بین قدرت دولت و نظارت‌های قانونی چطور باید انجام شود.

بویکس اشاره می‌کند که من شواهد کافی درباره رابطه بین ویژگی‌های دولت وبری با عملکرد حکومت و بعد با رشد اقتصادی ارائه نمی‌کنم. این امر درواقع یکی از مسائل علوم سیاسی معاصر است که کمتر از همه مورد بررسی قرار گرفته است. یکی از مطالعات در این زمینه، پژوهش پتر اواز و جیمز راخ (مقاله ساختار بوروکراتیک و عملکرد بوروکراتیک در کشورهای کمترتوسعه‌یافته[xiiii]) بوده است که درواقع این رابطه را مشاهده کرد ولی این پژوهشگران تنها ۲۷ کشور را بررسی کردند و فعالیت آنان به شکلی که کمتر از این زمینه، اخیراً با روث اشتاین (در کتاب درواقع این رابطه را مشاهده کرد ولی این پژوهشگران تنها ۲۷ کشور را بررسی کردند و فعالیت آنان به شکلی که کمتر از این زمینه، اخیراً با روث اشتاین (در کتاب در چشم‌اندازی بین‌المللی[xiv] (۲۰۱۱) مطالعات متعددی انجام داده است که همبستگی خوبی بین بی‌طرفی (که بر اساس استدلال او در هسته مرکزی قانون محدود به حقوق خصوصی باقی می‌ماند و حوزه حقوق سیاسی را دربرنمی‌گیرد (همانند مورد امپراتوری آلمان یا انگلیس دوره ویکتوریایی).

درنهایت، بویکس به‌درستی اشاره می‌کند که کتاب من (برخلاف کتاب خود او) بین ویژگی‌های نهادی مختلفی که مورد تأکید من هستند و رشد اقتصادی رابطه روشنی برقرار نمی‌کند. این انتقاد صحیح است. هدف اولیه من توضیح در مورد توسعه سیاسی بود و نه توسعه اقتصادی. مشاهده کلی من این است که احتمالاً نهادهایی حداقلی برای رشد لازم هستند. اما برخلاف بسیاری از نهادگرایان معاصر، مجموعه روشنی از شرایط نهادی وجود ندارد که برای توضیح رشدی که در طول تاریخ مشاهده شده است، لازم یا کافی باشند (به مقاله شتاب‌دادن به رشد نوشته ریکاردو هواسمن، لاتنت پریتچت و دنی روریک مراجعه کنید[xvi]). این مشکل عمومی‌تر در نظریه‌سازی در سطح کلان در مورد توسعه وجود دارد: پدیده بنیادین آن قدر پیچیده است که دقیق‌ترین نظریه‌ها که متغیرهای تبیینی را به تعدادی متغیر اندک تقلیل می‌دهند، ممکن است شکست بخورند. باوجوداین، ما باید به سعی خود ادامه دهیم و من از کارلز بویکس بابت سهم ایشان در این تلاش قدردانی می‌کنم.

●**پژوهشگر توسعه**

●**مترجم کتاب خشونت و نظام‌های اجتماعی**

[i] Fukuyama, F. (2014). Political order and political decay: From the industrial revolution to the globalisation of democracy. Macmillan. [ii] Charles Boix [iii] Boix, C. (2015). Political order and inequality. Cambridge University Press. [iv] Moore, B. (1966). Social origins of democracy and dictatorship. Boston: Beacon. [v] Huntington, S. P. (2006). Political order in changing societies. Yale University Press. [vi] Charles Tilly [vii] Mancur Olson [viii] Fukuyama, F. (2011). The origins of political order: From prehuman times to the French Revolution. Farrar, Straus and Giroux. [ix] Robert Putnam [x] Moore [xi] North, D. C., Wallis, J. J., & Weingast, B. R. (2009). Violence and social orders: A conceptual framework for interpreting recorded human history. Cambridge University Press.

[xii] Acemoglu, D., & Robinson, J. A. (2012). Why nations fail: The origins of power, prosperity, and poverty. Crown Books. [xiii] Rauch, J. E., & Evans, P. B. (2000). Bureaucratic structure and bureaucratic performance in less developed countries. Journal of public economics, 75(1), 49-71.

[xiv] Rothstein, B. (2011). The quality of government: Corruption, social trust, and inequality in international perspective. University of Chicago Press.

[xv] Bersch, K., Praça, S., & Taylor, M. M. (2017). State capacity, bureaucratic politicization, and corruption in the Brazilian state. Governance, 30(1), 105-124.

[xvi] Hausmann, R., Pritchett, L., & Rodrik, D. (2005). Growth accelerations. Journal of economic growth, 10(4), 303-329.

زیر آسمان فیروزه‌ای

جایزه «عقاب طلایی ۲۰۲۰» روسیه نامزدهایش را شناخت

● «کتاب سبزه»، «شیرشاه» و «روزی روزگاری در هالیوود» از جمله فیلم‌های هالیوودی هستند که نامشان در میان نامزدهای جوایز عقاب طلایی روسیه جای گرفته است.جوایز عقاب طلایی که همپای اسکار در روسیه اهمیت دارد، این فیلم‌ها را در بخش بهترین فیلم خارجی نامزد دریافت جایزه کرده است.«شیرشاه» دیزنی امسال در گیشه‌های روسیه فروشی ۴۶٫۷ میلیون دلاری را ثبت کرد و به نظر می‌رسد تا پایان سال باید عنوان پرفروش‌ترین فیلم سال ۲۰۱۹ روسیه را از آن خود کند. «روزی روزگاری در هالیوود» نیز با فروشی ۱۹ میلیون دلاری در رده دوم فیلم‌های پرفروش سال ۲۰۱۹ روسیه قرار گرفته و «کتاب سبز» با فروش ۹٫۲ میلیون دلاری جایگاه بیست‌وسوم این فهرست را در اختیار دارد.در میان تولیدات داخلی روسیه، فیلم «قدردار»، ساخته کانتمیر بالاگوف در میان موفق‌ترین فیلم‌های سال جای دارد و بیشترین نامزدی را دریافت کرده است. فیلم در بخش بهترین فیلم، بهترین کارگردانی، بهترین بازیگر زن، بهترین فیلم‌برداری و بهترین تدوین نامزد کسب جایزه شده است.این در حالی است که «قدردار» موفق به کسب جایزه بهترین کارگردانی جشنواره فیلم کن در بخش نوعی نگاه برای بالاگوف شد و درعین حال به‌عنوان نماینده سینمای روسیه در بخش بهترین فیلم بین‌المللی جوایز اسکار امسال نیز حضور دارد.

جوایز عقاب طلایی که از سال ۲۰۰۲ از سوی «آکادمی علوم و هنرهای تصاویر متحرک روسیه» برگزار می‌شود، هر سال در ۲۰ رشته مختلف به انتخاب برترین‌ها می‌پردازد و از جوایز کلوب الگوپرداری کرده است. این جایزه در قالب یک مجسمه عقاب به برندگان اهدا می‌شود.این جوایز در مراسمی که ۲۴ ژانویه در مسکو برگزار می‌شود، برندگان را معرفی می‌کند.

رئیس دوازدهمین جشن مستقل سینمای مستند معرفی شد

● شهرام درخشان از سوی هیئت‌مدیره انجمن به‌عنوان رئیس دوازدهمین جشن مستقل سینمای مستند معرفی شد و با ای همه اعضای هیئت‌رئیسه جشن مستقل سینمای مستند، وی برای این جایگاه برگزیده شد.شهرام درخشان متولد ۱۳۲۷ و دانش‌آموخته سینما، نزدیک به سه دهه در زمینه‌های کارگردانی، پژوهش، نویسندگی و تهیه‌کنندگی فیلم‌های مستند فعالیت داشته و فیلم‌های مستندی مانند «طب حاشیه»، «داستان یک شهر»، «خانه‌ام روی تپه‌هاست»، «بر کرانه‌های پارس»، «سه فصل از بهارستان»، «در عصر قجر»، «تمن باز یافته»، «یکی داستان بر آب چشم»، «تاراج تاریخ»، «اهل خلوت» و… بخشی از آثار این کارگردان است.جشن مستقل سینمای مستند هرساله با همکاری دو صنف کارگردانان و تهیه‌کنندگان سینمای مستند در خانه سینما برگزار می‌شود و اعضای که عضو یکی از صنوف خانه سینما باشند، می‌توانند آثارشان را به این جشن ارسال کنند. این جشن هر سال در پایان فصل تابستان برگزار می‌شود.

لی مندلسون درگذشت

● لی مندلسون، تهیه‌کننده بیش از ۵۰ برنامه انیمیشنی محبوب تلویزیونی، روز کریسمس در خانه‌اش در کالیفرنیا درگذشت. او به دنبال مبارزه‌ای طولانی با سرطان در ۸۶ سالگی فوت شد.وی تهیه‌کننده «پئاتوس» برای تلویزیون بود. او سال ۱۹۶۵ «کریسمس چارلی براون» را ساخت و با آن اولین جایزه امی‌اش را دریافت کرد. او در طول فعالیت‌هایش ۱۲ جایزه امی برد که آخرین آن در سال ۲۰۱۵ برای «این پنجاهمین کریسمس است، چارلی براون» نصیبش شد.همکاری مندلسون با لی ملندز انیماتور برای او چهار جایزه پی‌بادی و یک نامزدی اسکار و دو نامزدی گرمی به دست او. که همه عمرش شیفته موسیقی جز بود، با استخدام ونیس گارالدی، موسیقی‌دان موسیقی اورجینال، «کریسمس چارلی براون» را خلق کرد که پیر و جوان شیفته‌اش شدند. او در طول عمرش با موسیقی‌دان‌های بزرگی برای خلق ترانه‌ها و موسیقی متن فیلم‌هایش همکاری کرد.این تهیه‌کننده سال ۱۹۴۵ به ۱۹۵۴ دانشگاه استنفورد رفت و در رشته زبان انگلیسی فارغ‌التحصیل شد و کارش را با رادیو و تلویزیون شروع کرد.مندلسون کمپانی تولید فیلم خودش را با نام «لی مندلسون فیلم پروداکشنز» در سال ۱۹۶۳ افتتاح کرد و ابتدا به تولید مستندهای ورزشی پرداخت.انیمیشن «پئاتوس»، یکی از محصولات این کمپانی بود که سال‌ها روی آنتن تلویزیون رفت.مندلسون در همکاری با جیم دیویس، اولین انیمیشن کوتاه «کارفید» را در سال ۱۹۸۲ خلق کرد و بعد ادامه‌های آن ساخته شد. «کارفید» و «دوستان» نیز سریالی بود که در فاصله ۱۹۹۴-۱۹۹۱ از آنتن بود.لی مندلسون در کنار تولید برنامه‌هایی برای کودکان، مستندهای مهمی از چهره‌های شاخص ساخت که پل نیومن، جین کلی، جوان وودوارد، لوسیل بال، بینگ کرازبی، فیلیپ ویلسون، وویی گلدرگ، محمد علی و کارل راینر از جمله آنها هستند.